

## ❖ جهت چهارم:

جهت رابعه مطرح شده درباره ماده امر، بحثی است که تحت عنوان طلب و اراده شناخته می شود. مرحوم آخوند در این باره می نویسد:

«الظاهر أن الطلب الذي يكون هو معنى الأمر ليس هو الطلب الحقيقي الذي يكون طلبا بالحمل الشائع الصناعي بل الطلب الإنشائي الذي لا يكون بهذا الحمل طلبا مطلقا بل طلبا إنشائيا سواء أنشئ بصيغة افعال أو بمادة الطلب أو بمادة الأمر أو بغيرها و لو أبيت إلا عن كونه موضوعا للطلب فلا أقل من كونه منصرفا إلى الإنشائي منه عند إطلاقه كما هو الحال في لفظ الطلب أيضا و ذلك لكثرة الاستعمال في الطلب الإنشائي كما أن الأمر في لفظ الإرادة على عكس لفظ الطلب و المنصرف عنها عند إطلاقها هو الإرادة الحقيقية و اختلافهما في ذلك ألجأ بعض أصحابنا إلى الميل إلى (ما ذهب إليه الأشاعرة من المغايرة بين الطلب و الإرادة) خلافا لقاطبة أهل الحق و المعتزلة من اتحادهما فلا بأس بصرف عنان الكلام إلى بيان ما هو الحق في المقام و إن حققناه في بعض فوائدها إلا أن الحوالة لما لم تكن عن المحذور خالية و الإعادة بلا فائدة و لا إفادة كان المناسب هو التعرض هاهنا أيضا.»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱. [مقدمه اول: طلب به دو معنی استعمال می شود یکی طلب حقیقی که یک امر نفسانی است و قائم به نفس است و یکی طلب انشایی که امری اعتباری است. به عبارت دیگر یکی خواسته قلبی و یکی آنچه انشاء می شود.]
۲. [مقدمه دوم: هر یک از طلب حقیقی و طلب انشائی، دارای مصادیقی هستند، حال: طلب حقیقی زید به حمل شایع طلب است (کما اینکه به حمل شایع طلب حقیقی هم هست) ولی طلب انشایی زید به حمل شایع طلب نیست بلکه تنها «طلب انشایی زید» به حمل شایع طلب انشایی است. چراکه از نگاه صدرا یک شیء حقیقی، به حمل شایع بر مصادیق اعتباری خود حمل نمی شود.]
۳. [با توجه به آنچه آوردیم، مرحوم آخوند می فرماید:]  
طلبی که در معنای امر اخذ شده است: طلب انشایی است که به حمل شایع نمی تواند باشد (چراکه اعتباری است) و نه طلب حقیقی.
۴. حال چه این طلب انشایی، با صیغه افعال انشاء شده باشد و چه با ماده طلب و چه با ماده امر و ... (طلبی که در ماده امر هست و در هیأت امر و ...)
۵. اگر کسی بگوید طلب اخذ شده در ماده امر، مطلق است (اعم از انشایی و حقیقی) می گوئیم: «امر» منصرف است به جایی که طلب انشایی باشد.

۱. کفایة الأصول، ص ۶۴



۶. همین بحث در لفظ «طلب» هم هست. یعنی لفظ طلب منحرف است به طلب انشایی.
۷. علت این انصراف، کثرت استعمال است.
۸. لفظ اراده بر عکس است. یعنی لفظ اراده منحرف است به اراده حقیقی.
۹. [پس اراده منحرف است به اراده حقیقی و لفظ طلب منحرف است به طلب انشایی].
۱۰. همین اختلاف برخی از بزرگان را به دوئیت طلب و اراده کشانده است.

